



دولمیتی فلسطینی-اسرائیلی ایجاد کرد. بنابراین، هرگونه پاکسازی این سرزمین را، چه برای کنار گذاشتن صهیونیست‌ها و چه فلسطینیان، نکوهدیه می‌دانست. تنها راه مبارزه در این منازعه باید معطوف به دموکراسی و حقوق برابر باشد تا در پرتو یک نظام سکولار همه اعضای آن جامعه به مثابه شهروندانی برابر زندگی کنند و به همین جهت حتی با روزه گارودی که تردیدهایی در اهمیت هولوکاست مطرح می‌کرد مخالفت می‌کند. او معتقد است که نمونه آندلس نمونه‌ای از اداره یک جامعه بر اساس ویژگی‌های چند فرهنگی، چند مذهبی و چند قومیتی بوده است که می‌تواند الگوی فلسطین فعلی باشد. به زعم او، اگر فلسطینیان به رنج و بدبختی دیگران، حتی کسانی که آنان را سرکوب می‌کنند، بی‌توجهی نشان دهند هرگز نمی‌توان انتظار داشت که جهان به رنج و بدبختی آنان توجه کند و به همین جهت، او بر رسمیت شناختن هولوکاست تأکید می‌کرد، اما از تبدیل شدن آن به بهانه‌ای برای مشروعیت اسرائیل به مثابه یک رژیم اشغالگر و غاصب تبری می‌جست.^{۳۲}

سعید در پایان روند صلح: اسلو و پس از آن، به دنبال ایجاد راه‌حلی برای تعادل قدرت میان طرفین منازعه فلسطین است و با استمرار نقدهایش به یاسر عرفات بر راه‌حل همزیستی مسالمت‌آمیز اعراب و یهودیان با برخورداری از حقوق برابر و شهروندی مشترک تأکید می‌کند. با این حال، او در

سعید در فراتر از واپسین آسمان می‌کوشد روایتی غیر شرق شناختی از فلسطین، مخصوصاً برای غربیان، ارائه دهد. در این روایت اولاً هویت فلسطینی‌ها به عنوان یک گروه انسانی که زندگی شان بسی پیچیده‌تر و متفاوت‌تر از تبلیغات سرسام‌آور است مورد تأکید قرار می‌گیرد و ثانیاً سعید بر چندگونگی تجربه‌ها و هویت‌های فلسطینی تأکید می‌کند. سعید در این اثر مؤکداً اشاره می‌کند که چگونه هویت فلسطینی‌ها در ماجرای حضور اسرائیل در این منطقه نفی شده است و چگونه روایت‌های بی‌شماری از زندگی فلسطینی‌ها، با ناماندن گوشه‌ای از واقعیت به عنوان تمامی آن، به نفی گوناگونی زندگی فلسطینی‌ها منتهی گردیده است.

۴. راه سوم، همزیستی مسالمت‌آمیز فلسطینی-اسرائیلی

ادوارد سعید، از یک سو در مخالفت با پیمان اسلو و همچنین نقدهای بسیار شدیدی که نسبت به یاسر عرفات داشت و معتقد بود او منجر به تزییع حقوق فلسطینیان شده است و از سوی دیگر در نقد دیدگاهی که به بایکوت اسرائیلی‌ها و پاک شدن سرزمین فلسطین از آن‌ها گرایش داشتند، به دنبال راه‌حلی سوم می‌گشت که در آن، مبتنی بر مفهوم شهروندی، بتوان یک نظام

دارد زیرا با نظر به ایده شرق شناسی مسئله فلسطین برای ادوارد سعید مسئله‌ای در ذیل گفتمان شرق شناسی است که غرب مدرن آن را برساخته است. فارغ از تلاش‌های عملی ادوارد سعید در مقام یک روشنفکر برای مسئله فلسطین در آمریکا، از جمله جمع‌آوری امضاها و طومارهایی برای محکوم کردن شیوه‌های نژادپرستانه اسرائیل در کشتار، شهرک‌سازی، تخریب خانه‌ها و ایجاد اردوگاه‌های کار اجباری،^{۳۸} او می‌کوشید تا ذیل گفتمان شرق شناسی یا حتی مطالعات پسااستعماری تصویر عمیق‌تری از مسائل ستم‌دیدگان ارائه دهد و از افشاکردن فرهنگ توتالیتاریستی برای دفاع از مظلوم بهره‌گیرد؛ هر چند دفاع او از فلسطین را نباید به حساب حس ناسیونالیستی گذاشت، زیرا سعید نقش روشنفکری خودش را نه بر عنصر آرامش مبتنی می‌کند و نه بر سازنده اجماع، بلکه بر فردی که «روی وجود خود شرط بندی می‌کند. مایل به پذیرش فرمول‌های آسان، کلیشه‌های آماده یا تأکیدات تملق‌آمیز دائمی و تعریف و تمجید از آنچه قدرتمندان می‌خواهند بگویند یا انجام دهند نیست»^{۳۹} روایت او از فلسطین روایتی در نسبت با جهان معاصر غربی و تحولات جهانی مدرنیته و پست‌مدرنیته است.

چنان‌که اشاره شد، سعید در شرق شناسی به عمق نگاه غربی درباره شرق می‌پردازد. از این جهت، افقی که سعید در تحلیل مسئله معاصر فلسطین در ارتباط با اسرائیل پیش می‌نهد مسئله فلسطین را نه صرفاً متعلق به خاورمیانه یا جنگ اعراب و یهودیت، بلکه مسئله‌ای برآمده از نگاه غربی مدرن و مترقی به شرقی عقب‌مانده و وحشی می‌داند. سعید خود به صراحت متذکر شده است که: «من معتقدم که ما نباید مسئله فلسطین را در چارچوب کاری که لابی عربی و لابی صهیونیستی انجام می‌دهند مطرح کنیم، بلکه باید در مهم‌ترین و خطرناک‌ترین چارچوب که خود جامعه آمریکا است مطرح کنیم».^{۴۰} این دیدگاه کاملاً با مواضع سعید در امپریالیسم و فرهنگ نیز سازگار است. فرهنگ امپریالیستی همچنان به جهان شرق در چارچوب شرق شناسی و تلقی از شرق به مثابه نماد تروریسم، عقب‌ماندگی و وحشی‌گری می‌نگرد و فلسطین نیز از این قاعده مستثنی نیست.^{۴۱}